



حجم بالای تسلیحات اعطایی به اوکراین
امریکا را با بحران تسلیحاتی روبه‌رو کرده است

بحران انبارهای خالی در پنتاگون

گمانه‌زنی‌ها نشان می‌دهد اشتباه محاسباتی کاخ سفید در نحوه پشتیبانی تسلیحاتی از جبهه کی‌یف در برابر مسکو، حجم تسلیحات انبارهای پنتاگون را به مرحله‌ای رسانده است که کارشناسان نظامی امریکایی را واداشته درباره تأثیر این کمک‌های پیاپی بر وضعیت نظامی این کشور هشدار دهند.

اوکراین انفجار روی پل کریمه را
آغاز ماجرا عنوان کرد

تخریب زیر ساخت‌های کریمه به دست اوکراین

جنگ اوکراین هر روز وارد مرحله جدیدی می‌شود. پس از انفجار در پل کریمه به نظر می‌رسد که باید شاهد توالی این دست اقدامات هدمند بود. چرا که پیش از این هم انفجار مشابهی در خط لوله گازی نورد استریم صورت گرفت.



۷ توصیه «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»
به سران کاخ سفید
درباره اغتشاشات اخیر در ایران

رونویسی بایدن از دست مشاوران ترامپ

صفحه ۶ ر بخوانید

پاسخ صریح محمدرضا سرشار به بیانیه منتشر شده موسوم به بیانیه ۸۰۰ نفر

تمسک به امضاهای جعلی برای تکمیل لشکر ساختگی!

در روزهای گذشته بیانیه‌ای موسوم به بیانیه ۸۰۰ نفر (شامل شاعران، نویسندگان، مترجمان، روزنامه‌نگاران، ناشران، تصویرگران، مروجان، مربیان و دیگر فعالان فرهنگی و هنری حوزه ادبیات کتاب کودک و نوجوان) در برخی رسانه‌ها منتشر شد که به نشر دروغ‌ها و اتهامات واهی علیه جمهوری اسلامی و فراجا پرداخته بود. محمدرضا سرشار، نویسنده و پژوهشگر اسامی‌ای وجود داشته باشد که با همین سازکار غیراخلاقی و غیرقانونی تعبیه شده باشند.

تأملی در ادبیات، لحن و مضمون بیانیه
ادبیات، لحن و مضمون این بیانیه دقیقاً شبیه بیانیه‌های گروهک‌های غیرقانونی معاند نظام همچون منافقین، کومله و دموکرات کردستان، سراسر کذب و حاوی افترا به نظام، تشویش اذهان عمومی است. لذا به همین سبب، کاملاً قابلیت پیگرد قانونی دارد و در آن صورت، دست‌اندرکاران نگارش این بیانیه و جمع‌کنندگان امضا برای آن و انتشارش، همچنین تک تک امضاکنندگانش، طبق قانون، محکوم خواهند شد.

بیانیه، این آشوب‌ها را مصرحاً، «در اعتراض به کشته شدن مهسا امینی» ذکر می‌کند. این در حالی است که مدارک و استدلال‌های متقن علمی مسئولان و نیروی انتظامی تهران بزرگ و پزشک معالج و پزشک قانونی و پزشک متخصص سی‌تی‌اسکن، حاکی از آن است که از سوی مأموران گشت ارشاد، هیچ‌گونه ضرب و شتمی نسبت به این دختر جوان انجام نگرفته و هیچ اثری از آن در سر و حجمه وی دیده نشده، بلکه وی در هشت سالگی سابقه جراحی نومور مغزی داشته و پس از آن نیز از داروهای استفاده می‌کرده که در شخص مصرف‌کننده آنها ایجاد اختلال هورمونی می‌کند و این اختلال، زمینه‌ای را در شخص ایجاد می‌کند که در صورت ایجاد استرس شدید می‌تواند برای او خطر آفرین شود. اما این اعلامیه، بدون ارائه هیچ مدرک و مستندی، به نیروی انتظامی دولت، اتهام کشتن مهسا امینی را می‌زند، یعنی اتهام خطرناکی که به تنهایی برای محکومیت قضایی دست‌اندرکاران این بیانیه کفایت می‌کند.

آنچه این بیانیه آن را «اعتراض» می‌نامد، اغتشاش و آشوب و براندازی، در عریان‌ترین و خشن‌ترین شکل آن بود و میان اعتراض و اغتشاش، تفاوت از زمین تا آسمان است. به



موج سواری رسانه‌های ضد انقلاب با استفاده از بیانیه‌های جعلی

عکس، در کشور ما، مردم، از منتقد و معترض و مخالف و معاند و برانداز و دشمنان بیگانه در پوشش ایرانی، با کمک صدها شبکه رادیویی و تلویزیونی و رسانه‌های داخلی و خارجی و لشکرهای سایبری در فضای مجازی، یا به صورت چهره به چهره با طبقات مختلف، یا به وسیله نرم افزارهای هوشمند و روپات‌ها و فیک نیوزها، شبانه روز، مشغول بیان نظرات درست و نادرست و با وجه و بی‌وجه و از سر احساس مسئولیت و مغرضانه خود، حتی تحریف واقعیات و سیاه‌نمایی از اوضاع کشور، دروغ‌پردازی راجع به مسئولان خدوم نظام و وارونه‌نمایی پیشرفت‌ها و موفقیت‌های کشور هستند و این انتقادات و اعتراض‌های منفی به کمک امپراتوری جهانی رسانه‌ای استکباری مانند آنچه در همین آخرین فتنه رخ داد، متقابلانه بزرگنمایی شده، ضرب‌های ده‌ها میلیونی می‌بایند. در عین حال که بویژه در عمر کوتاه دولت فعلی، به بهانه‌های مختلف بعضاً واهی، تظاهرات کاملاً غیرقانونی متعددی برگزار شده و معترضان، صدای خود را به گوش مسئولان رسانده‌اند و دولت و نیروی انتظامی نیز با شکیبایی و وسعه صدر مثال زدنی، گاه تا حد مغل‌ان، این اعتراضات را شنیده‌اند. به گونه‌ای که به سبب همین رواداری بیش از حد و در مواردی می‌توان گفت بی‌نظیر در جهان در جریان خواسته‌های مطرح در این تظاهرات بعضاً کاملاً خشونت‌بار و خارج از عرف بین‌المللی، نیروهای حافظ امنیت، بارها مورد اهانت و آسیب‌های بدنی قرار گرفته و عده قابل توجهی از آنان به شهادت رسیده‌اند (اتفاقی که تقریباً در هیچ کشور دیگر، از سوی نیروی انتظامی تحمل نمی‌شود. حال با این وصف، بی‌بردن به اینکه غرض صادرکنندگان این بیانیه از چنین وارونه‌نمایی‌ها و نشر چنین

برای چنین کار خطیری نیست. ثالثاً لباس‌های ویژه ضدشورش، مخصوص نیروهای آموزش دیده کادر رسمی نیروی انتظامی است، نه نیروهای متفرقه یا حتی نیروهای عادی این نهاد نظامی. لذا این انتساب به دولت و نیروی انتظامی یا بسج نیز کذب و قابل پیگرد قانونی است.

در بخشی دیگر از این بیانیه آمده است: «ضمن همراهی قاطع با هموطنان درمندان، با صدای بلند اعلام می‌کنیم بر اساس مفاد پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک و همین‌طور قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ایران، پاسخ هیچ معترضی بویژه معترض نوجوان، گلوله و جای او در زندان نیست. ما مجدانه خواستار آزادی نوجوانان با‌داشت شده و پایان دادن به سرکوب خونین معترضان هستیم.» در عین حال که عمده نیروهای حافظ امنیت، در مواجهه با آشوبگران، غیر مسلح به سلاح گرم و کوشنده بودند، کجا و کجا در می‌مانند؟! اما به فرض هم که این گونه می‌بود، این ادعا چیست؟ تنها چیزی که به نظر می‌رسد مستند این ادعای دروغ‌قرار گرفته باشد، عکسی در فضای مجازی است که نه عکاس، نه زمان و مکان گرفته شدن، نه منبع نشر آن معلوم است. در این عکس، سه چهار نوجوان خردگرم که سال، با لباس‌های ضد شورش و سپر، ایستاده پشت در یک مغازه بسته در خیابان یا کوچه‌ای، دیده می‌شوند. این عکس، حتی در صورت اثبات مربوط بودن آن به ایران و آشوب‌های اخیر، می‌تواند کاملاً جعلی و ساختگی باشد. یعنی خود اغتشاشگران، با پوشاندن چنین لباس‌هایی به تن چند نفر از اعضا یا هواداران نوجوان خود یا غیر آن، صحنه‌سازی و سپس از آن عکس گرفته و به عنوان عکس نیروهای حافظ امنیت کشور معرفی و منتشر کرده باشند. چه، اولاً آشوب‌های پراکنده اخیر، آنقدر سراسری و پر تعداد و پر حجم نبود که نیروهای رسمی انتظامی و دیگر حافظان امنیت کشور از پس مهار آن برنایند، تا نیازمند استفاده از نوجوانان کم سن و سال شوند. ثانیاً، کاملاً آشکار بود که مقابله با چنین اغتشاش‌های سازمان‌یافته و خشنی که در موارد متعددی به وسیله آشوبگران به یک جنگ تمام‌عیار داخلی تبدیل می‌شد، کار نوجوانانی در این سن و سال و با این توان بدنی اندک و بی‌تجربگی

پس از انتشار این بیانیه آقای حسین فتاحی، یکی از نویسندگان که نامش جزو این ۶۰۰ نام بود، اظهار داشت که به کل از این بیانیه و فحوی آن بی‌اطلاع است و هیچ‌کس از او در مورد قراردادن نامش پای آن اجازه نگرفته است. به این ترتیب، بعید نیست که در میان دیگر نام‌هایی که پای این بیانیه امضا کرده‌اند، با همین سازکار غیراخلاقی و غیرقانونی تعبیه شده باشند

از دستگیری عده‌ای از اغتشاشگران در نقاط مختلف کشور، به قضات دستور داده شد که نه فقط نوجوانان که حتی جوانانی که نقش اصلی در تخریب‌ها و قتل و ایجاد جرح به دیگران سنگ یا احتمالاً جاقوه دست‌عبرده می‌کند و دشنام‌های رکیک می‌دهد و توهین می‌کند و مبارز می‌طلبد و ویران می‌کند و به تاسی از بازی‌ها و ویدیوهای رایانه‌ای، می‌زند و چه بسا می‌کشد و می‌سوزاند و ویران می‌کند و بر توهین مردم ترس و مزاحمت ایجاد می‌کند و زندگی و قوانین آنان را مختل می‌سازد، چون زیر ۱۸ سال است، باید رها کرد تا هر کاری که دلش‌خواست بکند؟! این چه استدلال است و سخیف و فرصت‌طلبانه‌ای است که شما می‌کنید؟! در مقابله با خرابکاری‌ها و آشوب‌هایی این چنین، در همه جای دنیا، نیروهای حافظ امنیت ناگزیرند که در وهله نخست، به پراکندن اغتشاشگران و دستگیری عده‌ای از آنان بپردازند و طبیعی است که در این پلش‌ها، امکان تشخیص و تفکیک افراد از یکدیگر وجود ندارد. تنها در بازداشتگاه و پس از بازجویی و تشکیل پرونده اولیه است که می‌توان گروه‌های سنی مختلف و سرمداران را از افراد تابع جدا و به بخشش و نادیده گرفتن فسادهای آنان در کشور می‌کردید؟!

■ امضاکنندگان باید مورد پیگرد قانونی قرار گیرند

در این فتنه، شباهت‌های تام و تمام موضعگیری‌ها و عملکردها و اظهارات کذب، افتراآمیز و معاندانه جریان‌ها و چهره‌های مشهور ورزشی و هنری و سیاسی و ادبی و دانشگاهی و دانشجویی و... آشکارا نشان داد که این جریان، در اتاق فکری واحد طراحی شده و توسط همانجا نیز هدایت می‌شود. حمایت‌های علنی و تمام‌قد گروهک‌های تجزیه‌طلب و مزدور بیگانه، و دولت‌های امریکا و رژیم اشغالگر قدس و پشتیبانی تبلیغاتی فوق‌العاده پر حجم پیام‌رسان‌های پرمخاطب غربی در ایران و رژیم‌های مترجع منطقه و به خیابان فرستادن ارادل و ابوابش و واداشتن آنان به ضرب و شتم و قتل و غارت و تخریب و توهین و ارعاب و انجام هر آنچه از ذلت‌مکن است در جریان این آشوب‌ها و تحریکات نظامی فرصت‌طلبانه دولت باکو و ترکیه در منطقه مرزی مشترک با ارمنستان، کمترین تردیدی برای کندذهن‌ترین افراد باقی‌نگذاشت که موضوع مهسا امینی، برای فتنه‌گران، بهانه‌ای بیش نیست، و هدف، از بین بردن امنیت و وحدت و تلاشی اقتصاد و تجزیه ایران است. اما هوشیاری بخش عظیمی از مردم در همراهی نکردن با این آشوب‌ها و بالعکس، ایستادن در برابر آنها و اظهار بی‌زاری از آنها، می‌رفت تا ظرف احساس امنیت به مردم برگردد. اینک وظیفه استکبار جهانی و پیاده‌نظام آن در داخل، که به توهیم اینکه این بار کار نظام تمام است، تمام توان و استعداد خود را به میدان آورده بود، ناگاه با این واقعیت تلخ روبه‌رو شد که باز هم در داخل دستور داد که به هر قیمت ممکن، ولو با آتش زدن یک لاستیک یا سطل زباله در یک خیابان فرعی، نگذارند که این آتش فروبشند و نیز، نیروهای حافظ امنیت موظفند مانع ادامه قوه قضائیه است که دست‌اندرکاران نگارش این بیانیه و گردآورندگان امضا و تک‌تک کسانی را که نامشان در پهای این بیانیه آمده است در کوتاه‌ترین زمان ممکن احضار کرده، پرسید: آیا اگر در میان مردم مخالف با این اغتشاش‌ها، نوجوانانی دست به چنین کارهای خلافی، در ارتباط با افراد آشوبگر مورد تأیید و حمایت قاطعانه شما می‌زدند، باز هم چنین سخاوتمندانه امر به بخشش و نادیده گرفتن فسادهای آنان در کشور می‌کردید؟!